



بررسی فرم و نقش در نقاب‌های فلزی اسب‌های صفوی و عثمانی و انتساب‌های صورت‌گرفته به آن‌ها

ساناز غفاری *

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد صنایع‌دستی دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

دکتر غلامرضا هاشمی

استادیار گروه صنایع‌دستی دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

دکتر شعبانعلی قربانی

استادیار گروه صنایع‌دستی دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

دکتر مهدی دوازده‌مامی

استادیار گروه صنایع‌دستی دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

از روزگاران کهن، اسب‌ها در میدان نبرد پایه‌پای سربازان و فرماندهان حضور داشته و ساخت پوشش‌های محافظ، از جمله نقاب صورت، در دوره‌های مختلف مرسوم بوده است. علاوه بر نبوغ و علاقه هنرمندان به نقش‌اندازی، رجزخوانی در میدان جنگ، دلیلی بر افزایش تمایل، جهت هنرنمایی در این نمونه آثار بود. در نقاب‌های فلزی اسب‌های دوره صفوی نیز می‌توان نمونه‌های جالبی از نقوش را ملاحظه کرد که گاه با نقاب‌های فلزی اسب‌های عثمانی اشتراکاتی دارد. هدف از این پژوهش، شناسایی وجوه اشتراک و افتراق نقاب‌های اسب این دو سلسله، دستیابی به دلیل این شباهت‌ها و تفاوت‌ها و انتساب‌های صورت‌گرفته به آن‌هاست. پرسش مطرح‌شده این است که وجوه اشتراک و افتراق میان نقاب‌های فلزی اسب صفوی و عثمانی چیست؟ و تا چه حد انتساب‌های صورت‌گرفته به هریک را می‌توان صحیح دانست؟ روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده و مطالب به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. نتایج، حاکی از آن است که باوجود نبود وحدت ظاهری در آثار عثمانی، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان این دو وجود دارد؛ اما نمونه‌هایی از نقاب‌های فلزی اسب عثمانی وجود دارد که بسیار به نمونه‌های صفوی- که وحدت صوری خود را حفظ کرده‌اند- شباهت دارد. در بیشتر نمونه‌های صفوی، فرم‌ها دارای خطوط نرم و یکدست بوده و زمینه اثر با نقوش پرکار پوشانده شده؛ اما در آثار عثمانی برخی نمونه‌ها دارای خطوط نرم و برخی شکسته و خشن است. نقوش، در مواردی پرکار بوده و در برخی، اندک و گاه بدون هیچ نقشی است. همچنین با توجه به شباهت بسیار برخی نمونه‌های عثمانی به آثار صفوی، نمی‌توان این مسئله را تنها برگرفته از تبادلات فرهنگی و تأثیرپذیری از هنر یکدیگر دانست و این فرضیه مطرح می‌شود که نمونه نقاب‌های فلزی اسب عثمانی، احتمالاً متعلق به فرهنگ ایران بوده و یا به دست هنرمندان ایرانی مقیم آن سرزمین ساخته شده است.

واژگان کلیدی:

دوره صفوی، دوره عثمانی، ابزارآلات جنگی، نقاب فلزی اسب، نقش و فرم.

صفویان و عثمانیان به‌عنوان دو قدرت حاکمه در جوار یکدیگر قرار داشته و به‌واسطه اختلافات مذهبی و تحریک‌های صورت‌گرفته، نبردهای متعددی بین آن‌ها درمی‌گرفت. مجهزبودن اسب به‌عنوان یکی از ارکان سوار نظام در میدان جنگ، نقش تأثیرگذاری در پیروزی و کسب افتخار برای شاه و سپاهیان‌ش داشت. همچنین محافظت از اسب نه‌تنها رزم بهتری را برای سوار فراهم می‌نمود بلکه آسیب به اسب به‌منزله آسیب به سوار و سپاه بود. از این‌رو، نمی‌توان برای پوشش‌های رزمی اسب تنها جنبه نمایشی در نظر گرفت بلکه از نظر کاربرد نیز اهمیت فراوانی داشته‌اند. نقاب فلزی اسب از جمله پوشش‌های رزمی و محافظتی اسب بوده که از سر حیوان محافظت می‌کرد. در گذشته هر وسیله‌ای اعم از تزئینی و کاربردی فرصتی برای هنرمندان و صنعتگران برای نقش‌اندازی و بیان مفاهیم هنری بود؛ نقاب فلزی اسب نیز از این جریان مستثنا نبود. فرم‌ها و نقوش استفاده‌شده در این آثار درخور توجه و تأمل بسیار است. در بیشتر نمونه‌های صفوی به پیروی از هنر ایران، فرم‌های نرم و نقوش پرکار در سطح اثر قابل‌مشاهده است؛ اما این وحدت و پیروزی از یک الگوی مشخص - از نظر فرم، نقش و فلز مورد استفاده - در آثار مذکور عثمانی وجود ندارد. اگرچه شباهت و تفاوت‌های معمول و معقول در بررسی

صفوی میان این دو دسته وجود دارد، در برخی از نمونه‌های عثمانی شباهت بسیار زیادی با نقاب‌های فلزی اسب صفوی قابل‌مشاهده است که این امر درخور تأمل است که ذهن را به تردید نسبت به انتساب‌های صورت‌گرفته به این نمونه‌ها وامی‌دارد.

بر اساس بررسی نگارندگان این مقاله، علی‌رغم پژوهش‌های فراوانی که در خصوص ابزارآلات جنگی ایران در دوره اسلامی و پیش از آن صورت گرفته است، تحقیقات داخلی در باب نقاب‌های فلزی اسب ایرانی انجام نشده است و با فقر منبع در این خصوص مواجهیم. با توجه به این کمبود منابع، پژوهش در این زمینه و مستند کردن این رزم‌افزارها بر اساس شواهد مادی و صفوی باقی‌مانده، می‌تواند بسیاری از ابهامات موجود را برای پژوهش‌های بعدی برطرف نماید و به منابع موجود در دسترس برای پژوهشگران بیفزاید. همچنین امر پژوهش در میان دو ملت چه‌بسا باعث نزدیک‌شدن آن‌ها از نظر فرهنگی و هنری شود و دسترسی به اطلاعات دقیق‌تر و بیشتر در محاسبات فرهنگی میان آن‌ها صورت پذیرد. از این‌رو، این پژوهش سعی بر شناسایی این آثار در دوران صفوی - در مقایسه با نقاب‌های فلزی اسب عثمانی - دارد. بررسی وجوه اشتراک و افتراق این آثار از مسائل مطرح‌شده در این مقاله است.

۱. روش پژوهش

علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای، یکی از روش‌های شناخت دقیق آثار هنری، توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با دیگر نمونه‌های موجود است. از این‌رو و با توجه به نیاز پژوهش، در این مقاله روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انتخاب‌شده که از طریق جمع‌آوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است. آثار مورد مطالعه در این مقاله نمونه‌هایی از نقاب‌های فلزی اسب در بازه زمانی دوره صفویه (۱۷۲۲-۱۷۳۴/۱۵۰۱-۱۵۰۶) و دوره عثمانی (۱۹۲۲-۱۹۳۴/۱۲۸۸-۱۹۳۴) است. با توجه به محدودیت‌های بسیاری که در دستیابی به نمونه‌های موجود از این آثار - به‌ویژه نمونه‌های صفوی - وجود داشته، روش نمونه‌گیری بر اساس قابلیت دسترسی نگارندگان مقاله به نمونه‌های موجود بوده است. نتیجه تلاش برای دسترسی به نقاب‌های فلزی این دو تمدن، ده نمونه از آثار متعلق به ایران بوده که دو نمونه از آن به دوران پیش از صفوی تعلق دارد. نمونه‌های یافت‌شده از نقاب‌های فلزی اسب عثمانی نیز پنجاه مورد بوده است. همچنین، دو نمونه نقاب فلزی اسب وجود دارد که در شناسنامه آن‌ها در تعلق به ایران یا عثمانی تردید شده است. به دلیل عدم دسترسی به نمونه‌های بیشتر، تمام ۶۲ نمونه ذکر شده برای بررسی بهتر در راستای دستیابی به فرضیه‌ای قابل‌قبول مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ البته این نکته نیز قابل ذکر است که هرچند برخی نمونه‌ها کیفیت قابل‌قبول در نقوش و یا عکس موجود نداشتند، اما در نهایت برای بررسی در موارد دیگری همچون جنس نقاب‌ها، فرم و ... در جامعه آماری پژوهش قرار داده شده است.

۲. پیشینه پژوهش

علی‌رغم تلاش نگارندگان، با وجود منابع ارزشمند و پرباری که در خصوص ابزارآلات جنگی وجود دارند، در زمینه نقاب‌های فلزی اسب، منبع مستقیمی که به‌طور آخص بدان پردازد، یافت نشد. تنها در برخی کتب مرتبط با ابزارآلات جنگی اشاراتی اندک بدان شده است. از جمله این منابع می‌توان کتاب «مجموعه هنر اسلامی، ابزارآلات جنگ» نوشته خلیلی (۱۹۹۲) را نام برد که در ضمن بررسی ابزار جنگی اسلامی اشاراتی اندک به نقاب‌های فلزی اسب، از جمله صفوی و عثمانی می‌کند. پوپ (۲۰۰۸) در کتاب خود با عنوان «سیری در هنر ایران» ذیل مدخل فلزکاری، در بخشی جداگانه به‌طور مختصر به معرفی جنگ‌افزارهای اسلامی از جمله نقاب‌های فلزی اسب می‌پردازد. در کتاب «هفت‌هزار سال فلزکاری ایران» نوشته احسانی (۲۰۰۳)، پس از توضیحاتی در خصوص فلزکاری ایران از عصر مس تا دوره صفوی، بسیار کوتاه به جنگ‌افزارهای ایران از عصر باستان تا صفویان پرداخته شده که تنها در چند خط کوتاه به وجود یک نمونه از نقاب فلزی اسب موجود در موزه برلین اشاره شده است. مقاله‌ای با عنوان «بررسی فرم، نقش و تزئینات ابزارآلات جنگی تیموری و بازتاب آن در نگاره‌های مکتب هرات» نوشته رضانزاد و شریعت‌پناهی (۲۰۱۸) پس از معرفی ابزارآلات جنگی تیموری، در چند خط مختصر با عنوان زره اسب، اشاره‌ای کوتاه و غیرمستقیم به وجود نقاب اسب در دوران تیموری شده است. منبع دیگری که

پوشانده است و از نظر اجرا چنین به نظر می‌رسد که توسط استادکار و یا شاگردان زبردست اجرا شده است. در برخی موارد نیز کتیبه وجود دارد که با توجه به تعداد کل آثار از صفویان، می‌توان گفت بسیار اندک است. همچنین با استناد به شناسنامه آثار در موزه‌ها، فلز مورد استفاده در اکثر قریب به اتفاق، فلز معمول آن دوران، فولاد است. (شکل ۱ و ۲) در نهایت و با توجه به مطالب گفته شده، در نگاه کلی وحدت نمونه‌های صفوی قابل مشاهده است. (Ghafari, 2020, p.100,142)

۳-۲. نقاب‌های فلزی عثمانی

هرچند وحدت کلی در میان آثار صفوی کاملاً قابل بررسی است، ولی اولین نکته‌ای که در خصوص نقاب‌های اسب عثمانی می‌توان ذکر کرد، عدم وحدت ظاهری و نبود الگویی یکسان در میان آثار است. به گونه‌ای که در میان آن‌ها- از نظر فرم- هم خطوط منحنی هم شکسته قابل مشاهده است. همچنین پس از مشاهده آثار و مطالعه توضیحات و شناسنامه متعلق به آن‌ها در موزه، از نظر نقوش نیز این تنوع قابل مشاهده است. اگرچه تقریباً تمام نقوش به کاررفته شامل نقوش گیاهی (ختایی و اسلیمی) است؛ باین وجود، تنوع و عدم یگانگی کاملاً مشهود است. در این میان نمونه‌هایی وجود دارد که سطح زمینه کاملاً پرکار بوده، همچنین آثاری هستند که دارای نقوش اندکی هستند و گاه حتی در موارد زیادی نیز بدون هیچ نقشی مورد استفاده قرار گرفته است. علاوه بر نقوش اسلیمی و ختایی، آثاری با گل لاله- در مواردی با شاخه‌های پیچان و در نمونه‌های دیگر با شاخه‌های مستقیم و بدون گردش- (شکل ۵، نمونه ۶ و ۷ جدول) و یا نقش همچون حرف T انگلیسی وجود دارند (نمونه‌های ۳، ۲، ۱ و ۷ جدول)؛ حتی نقوش نقاب‌ها در مواردی نقوش دارای قرینگی نیستند و بدون رعایت این امر سطح اثر زینت یافته است. حتی نمونه‌های اندکی وجود دارد که از سنگ‌های مختلف برای تزئین این آثار بهره گرفته شده است (نمونه موجود در موزه نظامی استانبول به شماره پیوست: ۱۱۱) و (خلیلی، ۱۳۸۷، ۹۱ و ۹۳ شماره پیوست: MTW۹۹۵). (Khalili, 2008, p. 91 & 93) در میان آثار مذکور عثمانی، کتیبه نسبتاً زیاد قابل مشاهده است که عموماً به صورت عبارات قرآنی و احادیث و یا در تمجید سلاطین آن در قاب‌های هندسی و جدا از متن زینت بخش اثر هستند. در مورد نوع اجرای نقوش نیز هیچ گونه یگانگی قابل مشاهده نیست، برخی آثار کاملاً هنرمندانه و با مهارت زیاد اجرا شده و برخی دیگر گویا توسط شاگردان تازه‌کار (نمونه ۶ جدول). پس از این بررسی‌ها، این عدم یکدستی در فلز مورد استفاده در آثار نیز مشاهده می‌شود و از فلزات مختلفی چون فولاد، مس، آهن استفاده شده است. (شکل ۳ و ۴) (Ghafari, 2020, p.101,142,144)

در این خصوص می‌توان نام برد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد خدادادی (۲۰۱۸) با عنوان «بررسی ابزارآلات جنگ دوره اشکانی در موزه ملی ایران» است که در فصول مختلف به وجود نقاب‌های جنگی اسب در دوران اشکانی و برخی از دیگر دوره‌ها اشاره می‌کند.

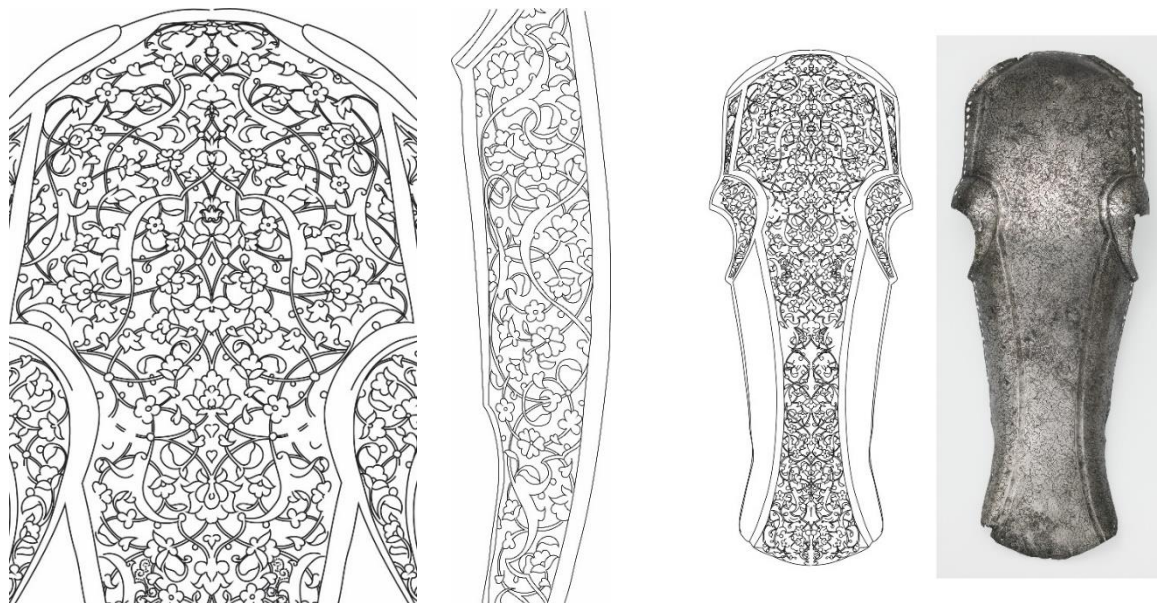
شایان ذکر است که با وجود اشاراتی که در این منابع به وجود نقاب‌های جنگی اسب در دوران مختلف ایران شده، هیچ گونه بررسی دقیق و منسجمی در این خصوص صورت نگرفته است. در این پژوهش سعی شده که با مطالعات دقیق‌تر و جامع‌تر، بتوان چشم‌اندازی وسیع‌تر به این دسته از آثار فلزکاری ارزشمند ایرانی داشت.

۳-۳. نقاب فلزی اسب

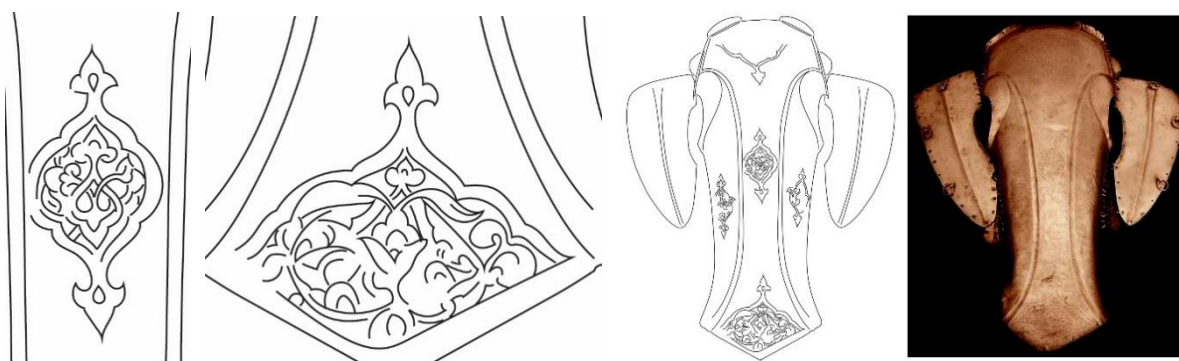
اسب از جمله حیوانات و البته شاید کارآمدترین حیوانی بود که در گذشته در میدان‌های نبرد از آن استفاده می‌شد و این امکان را به ارتش‌های گذشته می‌داد تا به سرعت جابه‌جا شوند و علاوه بر آن، در زمان غارت، حمل غنائم و تجهیزات جنگی نیز از آن استفاده می‌شد. همچنین دشمن با اسب‌های قوی هیکل سواران مسلح را که به تاخت حمله می‌کردند، توانایی مقابله نداشت. (Khodadadi, 2018, p.57) البته شاید اصلی‌ترین نقش در میدان نبرد، استفاده در سپاه سواره‌نظام بود که همپای یک سرباز در میدان جنگ حضور پیدا می‌کرد؛ از این رو، چه‌بسا تیرخوردن اسب در میدان کارزار، به مثابه سرنگونی جنگ‌سوار بود. در نتیجه، علاوه بر محافظت از بدن، حفاظت از سر اسب به عنوان عضو اصلی بدن نیز اهمیت فراوانی داشت. نقاب‌های فلزی اسب‌ها افزون بر جنبه کاربردی، دارای تزئینات زیبایی است که زمینه‌ای برای هنرنمایی هنرمندان قرار گرفته، زیرا داشتن یک اسب نیرومند با تجهیزات زیبا، جزو افتخارات یک سپاه به‌شمار می‌رفت و مقام و منزلت او را در مقابل سپاه دشمن دوچندان می‌کرد. (Ghafari, 2020, p.51)

۳-۱. نقاب‌های فلزی اسب صفوی

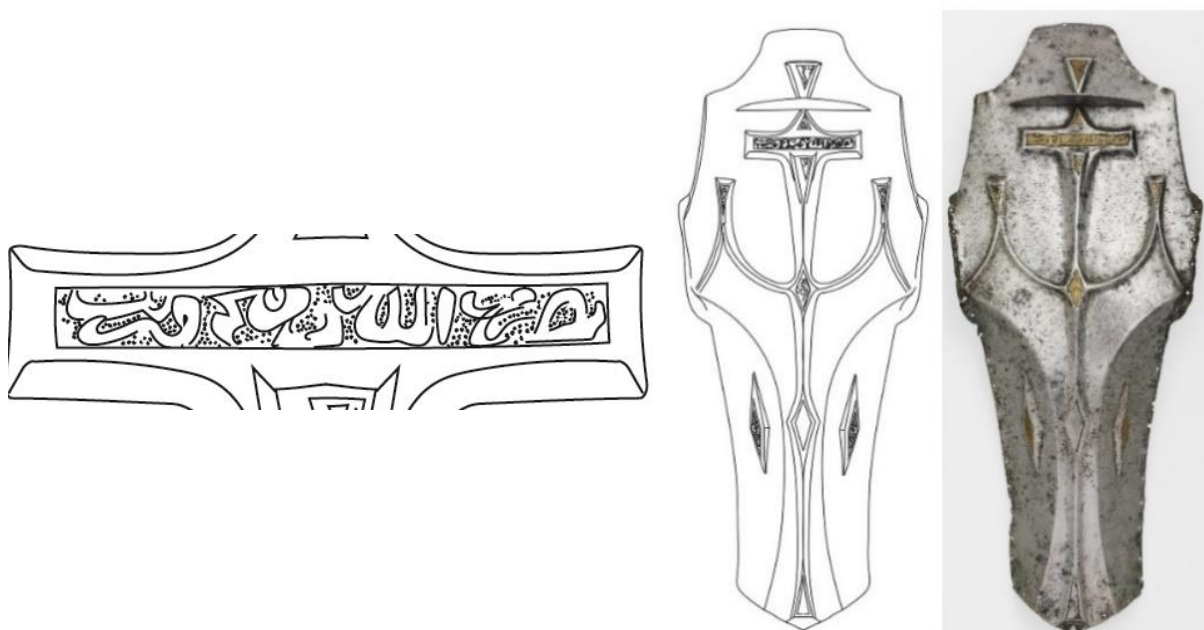
همان‌گونه که ذکر شد، تجهیزات اسب جزو افتخارات یک سپاه به‌شمار می‌رفت. از این رو، چه‌بسا تزئین آن با نقوش چشم‌نواز به افتخارات سپاه می‌افزود. اگرچه برخی از نقوش و خطوط به کاررفته در این نقاب‌ها به‌مرور زمان از بین رفته و یا در حوادث متعدد دچار آسیب شده، با بررسی آثار مذکور در دوره صفوی، می‌توان خطوط نرم و منحنی فرم را به‌آسانی تشخیص داد. هرچند نمی‌توان نمونه‌ها را دقیقاً مطابق هم در نظر گرفت اما شباهت فرمی آن‌ها کاملاً مشهود است. نقوشی که در این آثار برای تزئین تمام سطح نقاب به کار گرفته شده، تقریباً در تمام آثار نقوش گیاهی (نقوش اسلیمی، ختایی) به صورت پیچان و در نمونه‌های در دسترس هیچ استفاده‌ای از نقوش هندسی، حیوانی و یا انسانی نگردیده است. همچنین نقوش به کاررفته در اکثر موارد به صورت قرینه تمام سطح اثر را



شکل ۱: ایران، قرن ۱۶ میلادی، فولاد، موزه متروپولیتن نیویورک، شماره پیوست (29.158.621)
 Fig. 1: Iran, 16th century A.D., Steel, the Metropolitan Museum of Art, Accession number (29.158.621)



شکل ۳: عثمانی، اوایل قرن ۱۶ میلادی، فولاد، موزه هنر ورکستر، شماره پیوست (2014.1020)
 Fig. 3: Ottoman, early 16th century A.D., the Worcester Museum, Accession number (2014.1020)



شکل ۴: ترکیه، احتمالاً قرن ۱۶ میلادی، فولاد و آلیاژ مس، موزه متروپولیتن نیویورک، شماره پیوست (21.102.4)
 Fig. 4: Turkey, probably 16th century A.D., Steel and Copper Alloy, the Metropolitan Museum of Art, Accession number (21.102.4)



شکل ۵: نمونه‌هایی از نقوش متفاوت و اجرای نقاب‌های اسب عثمانی، موزه نظامی استانبول، شماره پیوست‌های (178/9422/14768/168/7158)
Fig. 5: Different sample of motive of Ottoman's shaffrons, the Military Museum of Istanbul, Accession numbers (178/9422/14768/168/7158)

۴. بررسی تطبیقی نقش و فرم آثار

با بررسی صوری میان آثار موردنظر صفوی و عثمانی، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در میان آن‌ها قابل مشاهده است؛ به گونه‌ای که در میان نقاب‌های فلزی اسب عثمانی، نمونه‌هایی وجود دارد که بسیار به آثار صفوی شبیه است. با بررسی تطبیقی میان آن‌ها، نخستین مسئله که مشاهده می‌شود، نبود وحدت— از نظر فرم، نقش، اجرا و جنس فلز— در میان نمونه‌های عثمانی است، در صورتی که نقاب‌های اسب صفوی یکپارچگی خود را در این موارد حفظ کرده است.

اگرچه اندازه و تناسبات نقاب‌ها به دلیل پیروی از آناتومی صورت اسب، در هر دودسته از آثار از الگوی مشخص و تقریباً یکسانی پیروی می‌کند، از نظر فرمی، شباهت و البته تفاوت‌های بیشتری وجود دارد. با وجود فرم و خطوط نرم و یکدست استفاده‌شده در آثار صفوی، نمونه‌های عثمانی دارای الگوی فرمی یکسانی نیست. اگرچه برخی، فرم‌های نرم و ظریفی دارند، در نمونه‌های دیگر خطوط تیز و شکسته و بعضاً بدون ظرافت بصری، فرم نقاب‌ها را تشکیل می‌دهد.

با وجود تضاد میزان نقوش استفاده‌شده در آثار عثمانی— از منظر نوع نقوش، میزان تزئین سطح اثر و قرینگی— در اکثر نمونه‌های صفوی سطح نقاب با نقوش ریز و پرکار زینت داده شده است. تقریباً در تمام نمونه‌های صفوی از نقوش گیاهی اسلیمی و ختایی استفاده شده و تمام سطح اثر و یا بیشتر آن را این نقوش زینت داده و تمایل زیادی برای استفاده از کتیبه در

این آثار وجود نداشته است. همچنین نوع خطوط اجراشده، بسیار ظریف بوده و با توجه به اجرای خوب و هنرمندانه آن‌ها، می‌توان حدس زد که توسط استادان و یا شاگردان زبردست اجراشده است؛ اما همان‌گونه که ذکر شد، درباره نمونه‌های عثمانی نمی‌توان از یک الگوی مشخص صحبت کرد. برخی نمونه‌های نقاب‌های عثمانی، سطح اثر با نقوش پرکار پوشانده شده و در برخی دیگر فقط قسمتی از نقاب منقوش شده است. از اسلیمی و ختایی، گل لاله و نقش Tمانند استفاده شده است. یکی از نکات قابل تأمل این است که تقریباً نمونه‌های دارای اسلیمی و ختایی— ایرانی— با مهارت و ظرافت بیشتری اجرا شده است که می‌تواند تأثیر حضور استادکاران و هنرمندان ایرانی در دربار عثمانی باشد. همچنین در نقاب‌های عثمانی، کتیبه بسیار بیشتر از نمونه‌های صفوی به کار رفته و عموماً دارای قاب جدا و پرکار هستند. این کتیبه‌ها شامل اسم پادشاهان و سفارش دهندگان اثر، اشعار و در اکثر موارد آیات قرآن است. (نمونه‌های ۴-۷ عثمانی در جدول ۱ و آثار موجود در موزه نظامی استانبول به شماره پیوست: 171 / 1754 / 24145) علاوه بر این، اکثر نقاب‌ها بدون هیچ نقشی ساخته شده و در میدان رزم استفاده شده است. همانند نمونه‌های (۱-۳) عثمانی در جدول ۱ و همچنین برخی آثار دیگر در موزه نظامی استانبول به شماره پیوست: 11419 / 24145-1 / 6-208). در برخی از این نمونه‌ها می‌توان یک نقش و یا علامت Tمانند مشاهده کرد که با وجود جست‌وجوی بسیار، منشأ این نقش برای پژوهشگران مشخص نگردید؛ البته این

علامت بیشتر در نمونه‌های بدون نقش قابل مشاهده است؛ همچنین این نکته نیز در جهت خاستگاه متفاوت این آثار درخور توجه است که نوع اجرای آثاری که دارای نقش گل لاله هستند، از نوع استادانه نیست. در نهایت، برخلاف آثار صفوی که فضای منقوش و مثبت غالب است، در نمونه‌های عثمانی فضای بدون نقش و منفی غالب بوده و از نظر تعداد نیز برابر یا اندکی بیشتر از نمونه‌های پرنقش و منقوش بوده و آثار دارای وحدت یکسانی از این منظر نیستند.

با استناد به اطلاعات موزه‌ها و دیگر منابع و همان‌گونه که در جدول ۱ بدان اشاره گردیده است، تقریباً همه موارد قابل تشخیص در

نمونه‌های صفوی از فلز فولاد ساخته شده، ولی فلز مورد استفاده در نقاب‌های عثمانی از مس، آهن، فولاد و ... است. (Ghafari, 2020, p.100,142) این نکته نیز قابل تأمل است که هیچ اشتراکی در میان آثاری که نشان تمغا روی آن‌هاست (شکل ۶) وجود ندارد و این خود تأییدی است بر اینکه عثمانیان این نشان را نه تنها برای آثار خود بلکه برای غنائم به‌دست‌آمده از دیگر فرهنگ‌ها نیز استفاده می‌کردند. این شباهت میان نمونه‌های عثمانی با نقاب‌های فلزی اسب صفوی، می‌تواند نشانگر منشأ مشترک این آثار باشد که نیازمند بررسی و تحلیل دقیق و مبسوط در پژوهشی دیگر است. (شکل ۷-۱۰).



شکل ۶: نقاب اسب، قرن ۱۶ میلادی، ترکیه یا ایران، موزه متروپولیتن نیویورک، شماره پیوست (36.25.510)

Fig. 6: shaffron, Turkey or Iran, the Metropolitan Museum of Art, Accession number (36.25.510)

نشان (Khalili, 2008, p. 6 & 71) به شماره پیوست MTW778) از همین اختلاط در تشخیص آثار مذکور است.

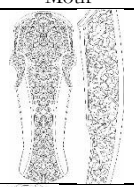



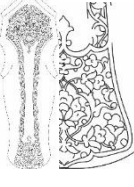
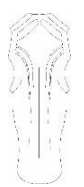






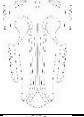



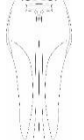



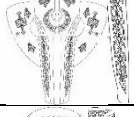










۵. نمونه‌های قابل تردید در انتساب صحیح

پس از بررسی‌های آثار مذکور از منظر فرم، نقش و حتی جنس فلز مورد استفاده، چنین استنباط گردید که در میان آثار عثمانی الگوی مشخصی نمی‌توان یافت که این خود، فرضیه تردید در انتساب صحیح این نمونه‌ها را به‌دنبال دارد. پس از بررسی‌های صورت‌گرفته، نمونه‌های زیر از نظر صوری بسیار شبیه نمونه‌های صفوی هستند. به‌گونه‌ای که برخلاف اکثریت نمونه‌های عثمانی که با فرم‌های شکسته و خشن هستند، نه تنها از خطوط نرم جهت طراحی این آثار استفاده شده بلکه همانند نقاب‌های صفوی از نقوش ریز و پرکار در آن‌ها استفاده شده که تمام و یا بخش زیادی از سطح اثر را پوشانده است. همچنین باوجود تنوع فلز استفاده‌شده در نقاب‌های عثمانی، در ساخت اکثر این نمونه‌ها از فولاد که فلز رایج و موردعلاقه صنعتگران و نقاب‌سازان صفوی بوده، استفاده شده است. در نهایت، این فرضیه تقویت می‌شود که این آثار یا نمونه‌های صفوی بوده که به قلمرو و قورخانه عثمانی راه یافته و یا به سفارش درباریان عثمانی و به‌دست هنرمندان ایرانی ساخته شده است.

نکته دیگر در بررسی آثار، تعلق برخی آثار به هر دو فرهنگ است که بررسی‌ها نشان می‌دهد این انتساب‌ها قابل‌اعتماد نیست. برای مثال، نقاب اسب موجود در مجموعه داود دانمارک (شماره پیوست 0/1980) که در شناسنامه اثر نوشته شده ایران یا هند؛ در مقایسه با دیگر نمونه‌های نقاب‌های اسب موجود از هند (Khalili, 2008, p. 64 & 66 & 68)، (موزه متروپولیتن نیویورک به شماره پیوست 208.197 و 2018.65)، سلاح هندی (موجود در همان موزه به شماره پیوست: 36.25.1014 و 36.25.389) و بررسی نگاره‌های متعلق به آن (برای نمونه موزه ویکتوریا آلبرت لندن به شماره پیوست: IS.2:35-1896 و IS.2:36-1896) و یا موزه هنر کلیولند به شماره پیوست 17-1610 c)، چنین به نظر می‌رسد که درواقع متعلق به هند است. نمونه دیگری نیز که منتسب به عثمانی شده (موزه هنر وورکستر به شماره پیوست 2014.24) اما با بررسی نمونه‌های مملوکی در موزه متروپولیتن نیویورک (به شماره پیوست 36.25.506) مشخص می‌شود که بایستی در این انتساب تردید کرد. (Ghafari, 2020, p.133&139) البته وجود برخی نقاب‌های اسب در موزه‌ها و مجموعه‌ها که انتساب آن‌ها به ایران یا عثمانی با تردید صورت گرفته (موزه متروپولیتن نیویورک به شماره پیوست 36.25.510)،

جدول ۱: نقاب‌های فلزی اسب صفوی و عثمانی

Table 1: Safavid and Ottoman Shaffrons


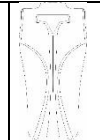

منبع Reference	علامت قورخانه عثمانی Tamga Sign	جنس Material	کتیبه Inscription	نقش Motif	فرم Form	تصویر Picture	دوره Area
موزه متروپولیتن نیویورک شماره پیوست (29.158.621) the Metropolitan Museum of Art, Accession number (29.158.621)	ندارد Does not have	فولاد Steel	-				نمونه ۱ Sample 1
موزه متروپولیتن نیویورک شماره پیوست (36.25.509) ^۲ the Metropolitan Museum of Art, Accession number (36.25.509)	دارد Has	فولاد Steel					نمونه ۲ Sample 2
خلیلی ۱۳۸۷، ۶۴ و ۶۶ شماره پیوست (MTW896) ^۷ Khalili, 2008, p. 64 & 66), Accession number (MTW896)	دارد Has	فولاد Steel	-				نمونه ۳ Sample 3
پوپ ج ۱۳ لوح ۱۴۰۷ Pope, 2008, P 1407	ندارد Does not have	مشخص نیست Unknown	مشخص نیست Unknown	مشخص نیست Unknown			نمونه ۴ Sample 4
پوپ ج ۱۳ لوح ۱۴۰۷ Pope, 2008, P 1407	بر اساس گفته‌های پوپ احتمالاً دارد ^۵ According to Pope, it probably does	مشخص نیست Unknown	مشخص نیست Unknown	مشخص نیست Unknown			نمونه ۵ Sample 5
موزه هنر ورکستر شماره پیوست (2014.1022) the Worcester Museum, Accession number (2014.1022)	ندارد Does not have	آهن Iron	-	-			نمونه ۱ Sample 1
موزه هنر فیلادلفیا شماره پیوست (2011-56-1) Philadelphia Museum of Art, Accession number (2011-56-1)	ندارد Does not have	فولاد Steel	-	-			نمونه ۲ Sample 2
مجموعه سلاح‌های سلطنتی شماره پیوست (XXVIIH.17) The Royal Armories, Accession number (XXVIIH.17)	ندارد Does not have	(مس زرانود) Tombak	-	-			نمونه ۳ Sample 3
کاتالوگ موزه توپکاپی استانبول (۲۰۰۰)، شماره اثر موزه (۱/۱۴۴۶) ^۸ Istanbul Topkapi Museum Catalog (2000), Accession number (1/1446)	دارد Has	(مس زرانود) Tombak	-				نمونه ۴ Sample 4
موزه نظامی استانبول، شماره اثر (۱۷۰) ^۹ the Military Museum of Istanbul, Accession number (170)	ندارد Does not have	آهن Iron					نمونه ۵ Sample 5
موزه نظامی استانبول، شماره اثر (۱۴۸۴) the Military Museum of Istanbul, Accession number (14894)	دارد Has	(مس زرانود) Tombak					نمونه ۶ Sample 6

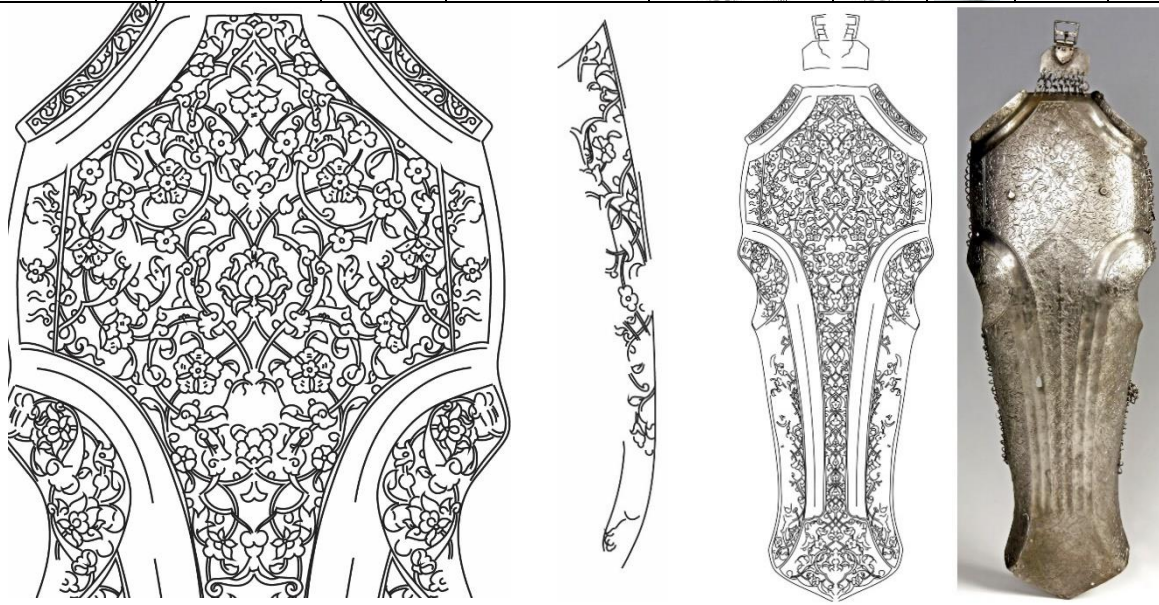
صفوی
Safavid

عثمانی
Ottoman

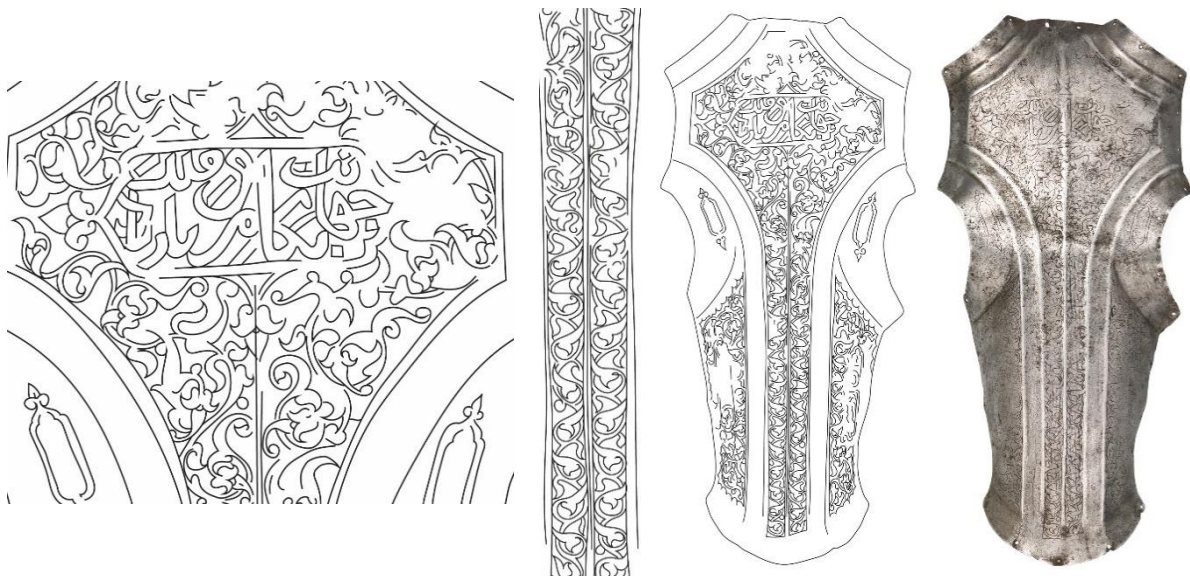


۱۰۹
بررسی فرم و نقش در نقاب‌های فلزی اسب‌های صفوی
و عثمانی و آن‌سب‌های صورت گرفته بینه آن‌ها

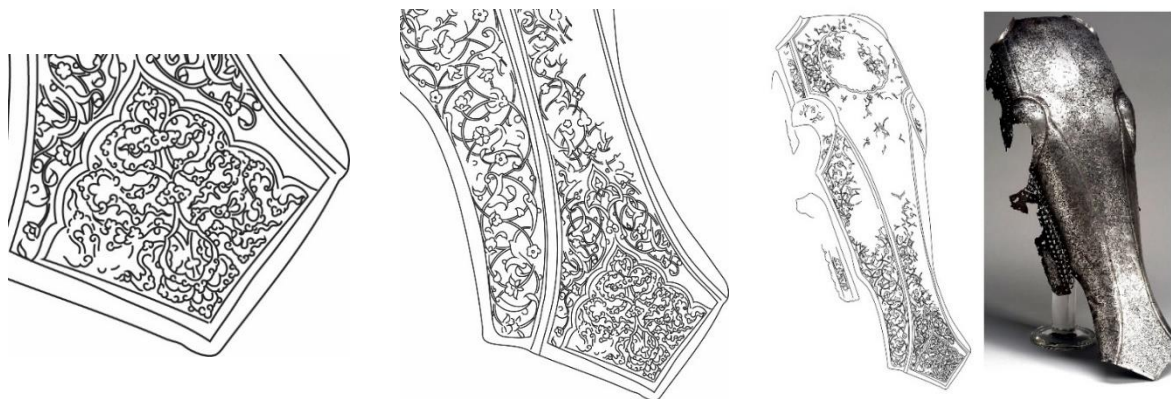
موزه نظامی استانبول، شماره اثر (۱۰۳۴۲) the Military Museum of Istanbul, Accession number (10342)	دارد Has	آهن Iron	«نصر من الله و فتح قريب»				نمونه ۷ Sample 7
---	-------------	-------------	--------------------------	--	---	---	---------------------

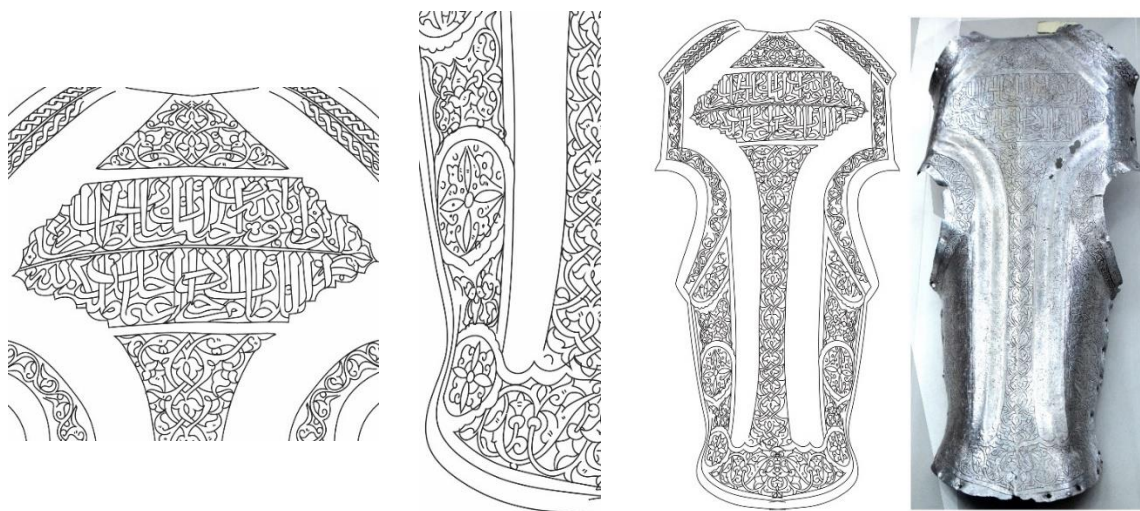


شکل ۷: ترکیه، اوایل قرن ۱۶ میلادی، فولاد، موزه آرمیتاژ روسیه، شماره پیوست (B.O.-41816)
Fig. 7: Turkey, early 16th century A.D., Steel, the Hermitage Museum, Accession number (B.O.-41816)



شکل ۸: ترکیه یا ایران، اوایل قرن ۱۶ میلادی، فولاد و آلیاژ مس، موزه متروپولیتن نیویورک، شماره پیوست (36.25.510)
Fig. 8: Turkey or Iran, early of 16th century A.D., Steel & Copper Alloy, the Metropolitan Museum of Art, Accession number (36.25.510)





شکل ۱۰: ترکیه عثمانی. ۱۵۷۴ - ۱۵۹۵ میلادی. ساخته شده برای سلطان مراد سوم. آهن. موزه نظامی استانبول. شماره پیوست ۱۷۹.

Fig. 10: Ottoman, 1595-1574 century A.D., Made for Sultan Murad III, Iron, the Military Museum of Istanbul, Accession number (179)

اسب در ایران - وجود نشانه‌ها و مدارکی در تپه حسنلو - تأثیرپذیری عثمانیان از فرهنگ و هنر ایران و مهاجرت اجباری و اختیاری هنرمندان ایرانی به آن سرزمین، بررسی نگاره‌های نقاب‌های اسب در هر دو فرهنگ که بازتابی از واقعیات زمانه کشورهای است و دیگر موارد، می‌توان در منشأ عثمانی آن‌ها تردید کرد.

در بررسی صوری آثار، این نکته قابل تأمل است که این شباهت‌ها و تفاوت‌ها در زمینه‌هایی چون وجود و چگونگی ظهور نقوش نقاب‌ها، نوع فلز استفاده شده و مواردی دیگر، می‌تواند به سبب دلایل متعدد و مختلفی بروز کرده باشد که نیازمند پژوهش تحلیلی و مستقل دیگری است، اما با توجه به قدمت دیرینه نقاب

نتیجه‌گیری

اجرای استادانه چه با مهارت اندک استفاده شده است. همچنین میزان وجود کتیبه‌ها - بیشتر آیات و احادیث و نام و تمجید سلاطین - در میان نمونه‌های عثمانی بسیار بیشتر دیده می‌شود. این یک‌دستی آثار صفوی و نبود وحدت نمونه‌های عثمانی در نوع فلز مورد استفاده نیز قابل توجه است. فولاد که فلز رایج و موردعلاقه هنرمندان صفوی بوده، در ساخت اکثر نمونه‌ها از آن استفاده شده درحالی‌که در ساخت نقاب‌های اسب عثمانی، از فلزات گوناگونی همچون فولاد، مس، مس زراندود و آهن استفاده شده است. در پی این بررسی‌ها، به وجود نمونه‌هایی در میان نقاب‌های اسب عثمانی پی برده شد که به نمونه‌های صفوی بسیار شبیه است؛ این شباهت فراوان درحالی‌که است که دیگر نمونه‌های عثمانی در تفاوت بارزی از نقاب‌های فلزی اسب صفوی قرار گرفته‌اند که می‌تواند به سبب دلایل متعدد و مختلفی بروز کرده باشد. این شباهت‌ها و تفاوت‌ها در زمینه‌هایی چون ویژگی‌های صوری (فرم و نقش) نقاب‌ها و نوع فلز استفاده شده خود را بروز داده است. از جمله این نمونه‌های متفاوت درخور تأمل، نمونه‌هایی است که با حرف T زینت یافته و تقریباً تمام آن‌ها بدون نقش است و همچنین تقریباً تمام نمونه‌هایی که در آن از گل لاله استفاده گردیده، دارای اجراهای ضعیف‌اند. این موارد این نکته را به ذهن پژوهشگران

نقاب فلزی اسب از جمله تجهیزاتی است که در میدان‌های نبرد، برای محافظت از صورت و درواقع محافظت از جان اسب، استفاده می‌شده است. تعدد بیشتر نمونه‌های به‌جای‌مانده از آن متعلق به سده‌های ۱۵ تا ۱۷ میلادی است که با دوران صفوی در ایران و عثمانی در ترکیه مطابقت دارد. با مشاهده نمونه‌های به‌جای‌مانده و در دسترس، ویژگی‌های آثار متعلق به هر فرهنگ بررسی گردید. نمونه‌های صفوی دارای خطوط فرمی نرم بوده که با نقوش اسلیمی و ختایی پرکار در کل زمینه، کتیبه‌های اندک و با اجرای استادانه زینت یافته‌اند و این ویژگی‌ها را می‌توان تقریباً در همه موارد مشاهده کرد؛ اما در آثار عثمانی یگانگی و وحدت صوری مشخصی نمی‌توان یافت؛ به‌گونه‌ای که از نظر فرمی هم نمونه‌های نرم و منحنی وجود دارد و هم آثاری که خطوط خشن و شکسته فرم اثر را تشکیل داده‌اند. همچنین در نقوش این آثار همین مسئله نیز مجدد بروز کرده است. برخی از آثار با نقوش پرکار زینت یافته و برخی دیگر دارای نقوش اندکی هستند، حتی در نمونه‌هایی نیز هیچ‌گونه نقشی استفاده نگردیده و سطح فلز بدون هیچ‌گونه نقشی روی صورت اسب قرار می‌گرفته است. حتی نوع نقوش نیز از این جریان مستثنا نیست، هم نقوش اسلیمی و ختایی، هم نقش گل لاله و هم علامت متفاوت T مانند در این آثار چه با

تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مطالعه قابلیت‌های فرم و نقش نقاب‌های فلزی اسب در دوران صفوی و عثمانی جهت طراحی زیورآلات» است که با همکاری دیگر نویسندگان نامبرده در دانشگاه هنر اصفهان به انجام رسیده است.

می‌آورد که چرا هیچ‌یک از این آثار - که بنا بر نوع نقوش می‌توان گفت کاملاً بازتاب هنر عثمانی است - دارای نقوش و اجرای کاملاً شبیه نمونه‌های قابل‌تردید است. در خصوص این دسته از نقاب‌های فلزی اسب عثمانی چنین می‌توان بیان کرد که این آثار در واقع مربوط به ایران بوده که به دلایل متعددی همچون غارت‌ها و غنیمت‌ها، تجارت‌ها و صادرات و ارسال هدایا، به امپراتوری عثمانی رفته و یا در همان سرزمین به دست هنرمندان ایرانی ساخته شده و سپس به نام عثمانی منتسب شده است. همچنین انتساب قابل‌تردید برخی نمونه‌های نقاب اسب هند و مملوکی به این فرهنگ‌ها، خود نشانه‌ای است بر اینکه بررسی‌های بیشتر و دقیق‌تری در خصوص این آثار باید صورت گیرد. با توجه به همه این مطالب، احتمال دارد بسیاری از این نقاب‌های فلزی اسب که بدان اشاره شد، کار هنرمندان ایرانی دوره صفوی باشد که تنها در جغرافیای عثمانی قرار گرفته؛ که در این صورت نیازمند پژوهش‌های تحلیلی دیگر است.

پی‌نوشت

۱. «عثمانی‌ها تمامی اموال قورخانه خود را با علامت ویژه‌ای موسوم به "tamga kayi" نشان‌گذاری می‌کردند این نشان کاملاً برگرفته از مهر تیره‌قایی بود و شکلی بود از ترکیب دو تیر و یک کمان (۱۲۱) که بعدها با فرم‌های تغییر یافته در سکه‌های عثمانی نیز استفاده شد. (Uzun carslil, 1989, p. 113) همچنین بر اساس سخن پوپ این نشان معمولاً تنها روی آثاری قرار داشت که در دوران سلطان سلیم اول، یا به‌عنوان غنیمت و یا به‌عنوان تجهیزات نظامی وارد قورخانه عثمانی در کلیسای ایرنه مقدس شده‌اند. (Pop, 2966 & 2967, 2008, p. 2966) از این‌رو، نشان قورخانه عثمانی روی بسیاری از آثاری وجود دارد که در واقع متعلق به خود عثمانیان نبوده و تنها در قورخانه آن سرزمین نگهداری و انبار شده بوده است و این مسئله سبب شده تا شاید برخی را به این اشتباه بیندازد که وجود این نشان روی اثر، حاکی از تعلق اثر به عثمانی است؛ در صورتی که بر اساس مطالب ذکر شده چنین امری را به‌صورت مطلق در بر ندارد.
۲. در توضیحات اثر نوشته شده است: احتمالاً ایران
۳. احتمالاً از جمله آثاری است به‌عنوان غنیمت به دست عثمانی‌ها افتاده است. (Khalili, 1992, p. 64)
۴. پوپ در ذیل این اثر می‌نویسد که آرایه‌های موجود در آن یادآور برخی از حاشیه‌های فرش این دوره است. (Pop, 2008, p. 2963)
۵. «... به سده دهم هجری تعلق دارند، این تاریخ‌گذاری را نشان زره‌سازی استانبول تأیید می‌کند، چنانکه روی بیشتر غنائم چالدران همین نشان دیده می‌شود.» (Pop, 2008, p. 2963)
۶. این اثر همراه یک نمونه دیگر در (محرابی ۱۳۹۵، ۶۱) - با وجود ارجاع به منبع ذکر شده در اینجا و بدون هیچ پژوهش و دلایل مرتبط با این تغییر انتساب آثار - به ایران صفوی انتساب شده است؛ در صورتی که در این کاتالوگ به صفحه ۱۳۴ و ۱۲۵ این دو اثر - با توجه به پژوهش‌های پژوهشگر - به‌درستی به عثمانی متعلق است.
۷. در شناسنامه موزه ذکر گردیده که روی این نقاب نوشته شده است: «علی‌حضرت سلیم‌خان که به پیروزی رسیده سلطان اعراب ایرانیان که خدا او را یاری دهد» موزه نظامی استانبول، شماره اثر { ۱۷۰ (۱۷۰) - ۲۰۸ }

References

- Alexander, D. (1992) the Arts of War: Arms and Armours of the 7th to 19th Centuries, (Nasser D.Khalili Collection of Islamic Art), Khalili Collection [in Persian]
- [خلیلی، ناصر. (۱۳۸۷). مجموعه هنر اسلامی، ج دوازدهم (ابزارآلات جنگ)، ترجمه غلامحسین علی‌مازندرانی، تهران: نشر کارنگ.]
- Art Institute of Chicago, <https://www.artic.edu/> (access date: 2018 October 28)
- Clevelandart Museum, <https://www.Clevelandart.org/> (access date: 2018 November 19)
- Ghafari, S. (2020) Study of the Capabilities of Form and Motif of the metal shaffrons During Safavid and Ottoman Periods for Jewelry Design. Art University of Isfahan, Isfahan: Iran. [in Persian]
- [غفاری، سانا. (۱۳۹۹). مطالعه قابلیت‌های فرم و نقش نقاب‌های فلزی اسب در دوران صفوی و عثمانی جهت طراحی زیورآلات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان.]
- Hermitage Museum, www.hermitagemuseum.org/ (access date: 2018 November 18)
- Istanbul Topkapi Museum Catalog (2000) Palace of Gold and Light (Treasure from the Topkapi, Istanbul), Turkey: Istanbul.
- Khodadadi, R. (2018) Investigation of Parthian Armors in the National Museum of Iran. Azad University, Central Branch, Tehran: Iran. [in Persian]
- [خدادادی، راضیه. (۱۳۹۷). بررسی ابزارآلات جنگ دوره اشکانی در موزه ملی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.]
- Mehrabi, H. (2016) A research on the motifs and lines of cold military weapons and tools in the Safavid period (1502-1736). Semnan University, Semnan: Iran. [in Persian]
- [مهرابی، هانیه. (۱۳۹۵). پژوهشی بر نقوش و خطوط سلاح و ابزارآلات سرد نظامی در دوره صفویه (۱۵۰۲ - ۱۷۳۶ م)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه Semnan.]
- Metropolitan Museum of Art, <https://www.metmuseum.org/> (access date: 2018 May 27)
- Military Museum of Istanbul / (access date: 2021 August 10)
- Uzun carslil, Ismail Hakki. (1989) Osmanili Tarihi. Tehran:

Keyhan. [in Persian]

[اوزون چارشی‌لی، اسماعیل حقی. (۱۳۶۸). تاریخ عثمانی. ج اول. ترجمه ایرج نوبخت، تهران: انتشارات کیهان.]

Philadelphia Museum of Art, <https://www.philamuseum.org/> (access date: 2018 October 3)

Pope, A., Ackerman, Ph. (2008) A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present, London & New York:

Oxford University Press. [in Persian]

پوپ، آرتور و فیلیس اکرم‌ن. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران، جلد ششم/دوازدهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Royal Armories, <https://collections.royalarmouries.org/> (access date: 2018 December 19)

Worcester Museum, <https://www.worcesterart.org/> (access date: 2018 November 18)

